

تأملی بر احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی در پرتو صلاحیت مدنی جهانی: با تأکید بر قربانیان ایرانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران

هیبت‌اله نژندی منش*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱)

چکیده

نقض مقررات حقوق بین‌الملل مربوط به حمایت از فرد انسانی، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، می‌تواند منجر به جنایت بین‌المللی شود. رسیدگی به این جنایات، از جمله می‌تواند از رهگذر اعمال صلاحیت جهانی کیفری عینیت یابد. در این نوشتار، این پرسش قابل طرح است که آیا حقوق بین‌الملل به کشورها اجازه می‌دهد تا صلاحیت مدنی فراسرزمینی خود را نیز اجرا کنند؟ در این پژوهش، نگارنده به بررسی این مسئله پرداخته است که از منظر حقوق بین‌الملل، آیا امکان دریافت غرامت برای ایرانیان قربانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در پرتو «صلاحیت مدنی جهانی» وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، نگارنده به بررسی مفهوم صلاحیت مدنی جهانی، مبانی حقوقی آن، رویه کشورها و قابلیت اعمال آن در خصوص مصدومین شیمیایی ایرانی پرداخته است.

واژگان کلیدی: صلاحیت مدنی جهانی، سلاح‌های شیمیایی، جنگ تحمیلی، قربانیان ایرانی سلاح‌های شیمیایی، جنایت جنگی

مقدمه

جبران خسارت قربانیان جرم در حوزه داخلی، قدمت طولانی دارد. در بسیاری از جوامع باستانی، پرداخت غرامت از سوی مرتکب به قربانی یا قبیله وی، عنصر اساسی مجازات جرم بود. (Bottigliero, 2004: 13) همچنین از ابتدا در حقوق کیفری، قربانیان، مسئول شروع رسیدگی‌های علیه مرتکب بودند. با تحول عدالت کیفری از حوزه خصوصی به حوزه عمومی، به تدریج، نقش قربانیان در رسیدگی‌های کیفری کم‌رنگ شد. (Zappalà, 2003: 219) در حالی که در بیشتر جوامع سنتی، قربانی کماکان نقش فعال‌تری در عدالت کیفری داشت، در اکثر جوامع دیگر، تمرکز عدالت کیفری تنها بر مرتکب جرم بود.

در حقوق بین‌الملل عمومی، بین مسئولیت دولت‌ها و مسئولیت اشخاص، تمایز جدی وجود دارد. (Tomuschat, 2002: 181) در حالی که اصل مسئولیت کیفری شخصی در قبال جنایات بین‌المللی از زمان جنگ جهانی دوم پذیرفته شده است، کشورها تنها تعهد به جبران خسارت داشته‌اند. (Werle, 2005: 2-10) تنها در سال‌های اخیر، با افزایش شناسایی فرد به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل، مواردی وجود داشته که اشخاص مجرم، ملزم به پرداخت غرامت شدند.^۱

مطالبات قربانیان جنایات بین‌المللی به‌طور موفقیت‌آمیز در دادگاه‌های آمریکا، به‌موجب قانون ادعاهای شبه‌جرم بیگانگان^۲ (Alien Tort Claims Act) به ثبت رسید. در حالی که در این پرونده‌ها، دادگاه‌ها صلاحیت فراسرزمینی را در رابطه با موارد نقض ارتكابی خارج از آمریکا اعمال می‌کردند، این اعمال صلاحیت بر مبنای حقوق داخلی بود، نه حقوق بین‌الملل.

اصل ۱۵ اصول قربانیان (مصوب ۲۰۰۵) به‌طور صریح این امکان را پیش‌بینی می‌کند که غرامت‌ها را نه تنها غرامت‌ها، بلکه باید «هر شخص، هر شخص حقوقی یا هر موجودیت دیگری که مسئول پرداخت غرامت به قربانی شناخته شود»، باید پردازد.^۳ با این حال، ماده ۷۵ اساسنامه

۱. این ایده که اشخاص در قبال موارد نقض حقوق بین‌المللی مسئولیت دارند، ایده جدیدی نیست. در سال ۱۸۷۲، گوستاو موینر (Gustave Moynier)، یکی از بنیانگذاران صلیب سرخ و نهضت هلال احمر، بر اهمیت پرداخت غرامت به‌طور مستقیم از مرتکب اصرار داشت و پیشنهاد کرد که دولت تنها باید یک تعهد فرعی به پرداخت غرامت داشته باشد و آن هم در جایی که مرتکب، استطاعت لازم را نداشته باشد. ن.ک.: Hall, 1998, 57.

^۲ 28 USC § 1350.

همچنین می‌توان به قانون آمریکا در مورد حمایت از قربانیان شکنجه و قانون مصونیت‌های حکام خارجی اشاره کرد. اگرچه قانون ادعاهای شبه‌جرم بیگانگان، ابزار مهمی برای احراز مسئولیت ناقضان به پرداخت غرامت به قربانیان است، در عمل، آرای بسیار کمی به اجرا گذاشته شده است.

۳. همچنین اصل ۱۷ مقرر می‌دارد: «کشورها در خصوص ادعاهای قربانیان، باید احکام داخلی برای پرداخت غرامت که علیه اشخاص یا موجودیت‌های مسئول صدمات وارده صادر شده را اجرا کنند و تلاش نمایند تا احکام قانونی خارجی معتبر برای جبران خسارت بر طبق حقوق داخلی و تعهدات حقوق بین‌المللی را اجرا کنند». با این حال، اینکه آیا این اصول، بازتاب حقوق بین‌المللی موجود هست یا خیر، محل اختلاف است.

دیوان بین‌المللی کیفری برای نخستین بار به یک دیوان بین‌المللی این امکان را می‌دهد تا عملاً به شخص مرتکب دستور دهد که به قربانیان جنایات، غرامات مستقیم را پرداخت کند. چنین حکمی بر مبنای حقوق بین‌الملل است. بنابراین، ملاحظه می‌شود که احقاق حقوق قربانیان جنایات جنگی (از جمله جنایت استفاده از سلاح‌های شیمیایی) در دهه‌های اخیر، وارد مرحله نوینی شده است.

اگرچه بیش از دو دهه از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گذرد، هنوز قربانیان جنگ شیمیایی عراق (هم ایرانیان و هم کردهای عراق) در جستجوی راهکار جبران قضایی هستند. در این راستا، برخی از این قربانیان، دعائویی را به منظور دریافت غرامت در قالب یک پرونده کیفری علیه فرانس فن آنراآت^۱ طرح کردند. برنامه جنگ شیمیایی عراق، عمدتاً متکی به اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی بود که مواد و تجهیزات لازم را تأمین می‌کردند. از جمله این اشخاص می‌توان به تاجر هلندی، فرانس فن آنراآت اشاره کرد که حجم زیادی از این مواد را به رژیم صدام حسین فروخت. این مواد برای تولید گاز خردل، اساسی و لازم بود. یعنی‌ها این گاز را در جنگ علیه ایران و حملات خود علیه کردها در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ استفاده کردند. فن آنراآت به عراق پناهنده شد. سپس وی موفق شد تا به کشور خود، هلند، بازگردد. نامبرده در دسامبر ۲۰۰۴ به اتهام همدستی در جنایات جنگی و نسل‌زدایی در هلند دستگیر شد. (Wilt, 2006: 239-57) در نهم مه ۲۰۰۷ وی به همدستی در جنایات جنگی محکوم شد.^۲ محکومیت وی به‌خاطر نقض پروتکل ژنو ۱۹۲۵ در مورد گاز^۳ و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی بود که استفاده از سلاح‌هایی شیمیایی در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و حملات کور را منع می‌کند.^۴ پس از طرح شکایت کیفری، حدود ۱۵ قربانی حملات شیمیایی عراق، از ایران و عراق، به این شکایت کیفری علیه فن آنراآت پیوستند. این قربانیان، دعوی خصوصی را برای دریافت غرامت در قبال ضرر و زیان وارده به خود به دادگاه هلند تقدیم کردند. این پرونده را

^۱ Frans van Anraat.

^۲ Court of Appeal The Hague, 9 May 2007, LJN: BA4676 and District Court, 23 December 2005, LJN: AU8685.

برای دستیابی به متن انگلیسی این احکام ن.ک:

www.rechtspraak.nl.

^۳ عنوان رسمی این پروتکل به شرح زیر است:

'Geneva Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare' (The Hague Convention of 17 June 1925).

هم ایران و هم عراق هر دو طرف این پروتکل هستند.

^۴ در برخی از کشورها، از جمله هلند، به‌موجب قانون داخلی این موارد، جرم‌انگاری شده‌اند. متأسفانه در ایران، قانون جنایات جنگی وجود ندارد. نبود همین قانون خاص، در بسیاری از موارد، مانع از اعمال صلاحیت جهانی توسط دادگاه‌های ایرانی می‌شود.

می‌توان یک نمونه موفق دانست.

هرچند این پرونده بر مبنای صلاحیت مدنی جهانی مطرح نشد، می‌تواند در تبیین برخی از جنبه‌های حقوقی احقاق حقوق ایرانیان قربانی سلاح‌های شیمیایی عراق مورد استفاده قرار گیرد. در این نوشتار، ضمن بررسی مفهوم صلاحیت مدنی جهانی، این مسئله بررسی می‌شود که منظور از صلاحیت مدنی جهانی و شرایط اعمال آن کدام است؟ آیا نهادی به نام «صلاحیت مدنی جهانی» توانسته است در کنار صلاحیت کیفری جهانی شکل بگیرد؟ به علاوه، این موضوع، بحث خواهد شد که آیا ضمن اعمال صلاحیت کیفری جهانی، امکان مطالبه غرامت برای مصدومین شیمیایی ایرانی جنگ تحمیلی وجود دارد یا خیر؟

۱. پذیرش منشأ دعوای نقض حقوق بین‌الملل در قلمرو یک کشور توسط دادگاه

داخلی کشور دیگر

در این قسمت به بررسی این پرسش پرداخته می‌شود که آیا حقوق بین‌الملل به دادگاه‌های داخلی یک کشور اجازه می‌دهد تا منشأ دعوا به‌خاطر نقض حقوق بین‌الملل را که در قلمرو کشور دیگری ارتکاب یافته، بپذیرند، درحالی که یک مبنای صلاحیتی پذیرفته‌شده عمومی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش، لازم است تا ابتدا مبانی صلاحیتی مجاز به موجب حقوق بین‌الملل، یعنی صلاحیت سرزمینی، تابعیت، حمایت از منافع کشور دیگر و حمایت از برخی منافع جهانی، مورد بحث قرار گیرد. سپس این مسئله بررسی شود که آیا درست است گفته شود دادگاه‌ها در اعمال صلاحیت جهانی به نیابت از اجتماع بین‌المللی کشورهای حاکم عمل می‌کنند و بنابراین، نقض حقوق حاکمه کشورهای دیگر، بعید به نظر می‌رسد؟ همچنین این نکته قابل بحث است که به‌موجب اصل صلاحیت جهانی، اجرای فراسرزمینی صلاحیت رسیدگی در وضعیت‌های متضمن نقض فاحش قواعد تعریف‌شده و پذیرفته‌شده جهانی حقوق بشر، مجاز و پذیرفتنی است. درنهایت، قانون خاص داخلی که اعمال صلاحیت مدنی جهانی را پیش‌بینی می‌کند باید در پرتو اصل صلاحیت جهانی، منصرف از ماهیت مدنی آن، تفسیر و بررسی شود.

۱-۱. مبنای صلاحیتی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل

در این قسمت به بررسی مبانی صلاحیتی پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل یعنی اصل صلاحیت سرزمینی، تابعیت (اصل صلاحیت شخصی)، حمایت از منافع کشورهای دیگر (اصل صلاحیت حمایتی) و حمایت از برخی منافع جهانی (اصل صلاحیت جهانی)^۱ پرداخته می‌شود.

۱ برای اطلاع بیشتر، ن.ک: اسماعیل زاده، ۱۳۹۳ و همچنین: Cassese, 2005. 50; Shaw, 2008, 651-673.

الف. اصل صلاحیت سرزمینی

نقطه شروع صلاحیت این است که همه کشورها نسبت به وقایع روی داده در قلمروهایشان و اشخاص (اعم از اتباع، ساکنان) که در قلمروهایشان حضور دارند، صلاحیت دارند. این اصل، که به اصل سرزمینی بودن صلاحیت دارد، رایج‌ترین و درعین حال، کم‌مناقشه‌ترین مبنای صلاحیتی است. در رویه حقوقی بین‌الملل، اعمال صلاحیت داخلی برای رسیدگی به رفتار یا واقعه‌ای که در قلمرو کشور دیگری روی داده، مستلزم مبنای پذیرفته شده صلاحیتی است. این مبنا می‌تواند به رفع تعارض‌های بالقوه بین صلاحیت کشورها کمک کند. از نظر دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری، «جدای از این ممنوعیت کلی که کشورها نمی‌توانند اجرای قوانین داخلی و صلاحیت دادگاه‌های خود را به اشخاص، اموال و اعمال خارج از قلمرو خود تسری دهند، در این خصوص از صلاحیت موسعی برخوردارند که تنها در موارد معینی به وسیله قواعدی که منع‌کننده هستند، محدود می‌شود. در خصوص موارد دیگر، هر کشوری آزاد است تا اصولی را بپذیرد که به نظرش بهترین و مناسب‌ترین هستند».¹ (The Case of the S.S. "Lotus", 1927: 19)

درعین حال، کشورها محدودیت‌هایی را نسبت به این نوع مبنای صلاحیتی به دو شکل اعمال می‌کردند. نخست، برخی از کشورها صلاحیت سرزمینی را بر مبنای برخوردهای تقریباً با قلمرو اندک اعمال می‌کردند. برای نمونه، کمیته فساد و ارتشا یادآور می‌شود که قانون آمریکایی راجع به رویه‌های خارجی فاسد¹ (FCPA) اساساً به صلاحیت سرزمینی استناد می‌کند، اما آن را به گونه‌ای موسع تعریف می‌کند که تنها رابطه سرزمینی محدودی با عمل ناشایست را لازم می‌داند. (Report of the Bribery and Corruption Committee, 223) دوم، برخی از کشورها صلاحیت را بر مبنای دکتترین آثار (عمل) اعمال می‌کنند. این دکتترین به توانایی یک دولت در اعمال صلاحیت نسبت به رفتار ارتكابی به وسیله بیگانگان در خارج از صلاحیتش اشاره دارد که در قلمرو این دولت، آثاری را ایجاد می‌کند. گاهی دکتترین، آثار عمل را توسعه اصل صلاحیت سرزمینی می‌داند که عمدتاً بر محل آثار عمل تمرکز دارد تا محل وقوع رفتار یا مرتکبین. اصولاً کشورها این دکتترین را پذیرفته‌اند، اگرچه در خصوص معنی و معیار اعمال آن، اختلاف نظر وجود دارد.

ب. اصل تابعیت یا صلاحیت شخصی

این اصل به توانایی هر کشور در اعمال صلاحیت نسبت به اتباع خود، و در برخی موارد به افراد ساکن یا مقیم که خارج از مرزهای آن فعالیت دارند، اشاره دارد. این اصل، خود را به دو شکل نشان

¹ US Foreign Corrupt Practices Act.

می‌دهد: فعال^۱ و منفعل^۲. اگرچه صلاحیت بر مبنای تابعیت متهم در حقوق کیفری پذیرفته شده است، در حقوق مسئولیت مدنی پذیرفته نشده است. «بسیاری از کشورها صلاحیت را صرفاً بر مبنای تابعیت متهم نمی‌پذیرند...» (Report of the Bribery and Corruption Committee, 126-127) با این حال، اکثر کشورها صلاحیت در حوزه مسئولیت مدنی را بر مبنای اقامتگاه یا محل سکونت خوانده می‌پذیرند. (Report of the Bribery and Corruption Committee, 125)

ج. اصل صلاحیت حمایتی

این اصل به توانایی هر کشور در اعمال صلاحیت نسبت به رفتار بیگانگان خارج از صلاحیتش اشاره دارد و این رفتار می‌تواند به منافع حیاتی آن کشور لطمه بزند. از جمله می‌توان به جعل پول کشور خارجی یا نقض قوانین کنترل تسلیحات اشاره کرد. (Report of the Bribery and Corruption Committee, 149- 150)

د. اصل صلاحیت جهانی

از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، صلاحیت جهانی عبارت است از «توانایی مقام تعقیب یا دادستان هر کشوری برای تحقیق یا تعقیب اشخاص به خاطر جرایم ارتكابی خارج از قلمرو آن کشور که از طریق تابعیت مظنون یا قربانی یا از طریق صدمه به منافع ملی آن کشور با کشور مورد بحث، پیوند ندارد». یک کشور از صلاحیت تعیین و تجویز مجازات برای برخی جرایم شناسایی شده توسط اجتماع ملت‌ها که در سطح جهانی ایجاد نگرانی می‌کنند، مثل دزدی دریایی، تجارت برده، حمله به هواپیماها یا هواپیماهایی، نسل‌زدایی، جنایات جنگی ... برخوردار است، حتی در جایی که هیچ‌یک از مبانی صلاحیت وجود ندارد.^۳ بنابراین، صلاحیت جهانی، اساساً صلاحیت رسیدگی به جرایمی است که حقوق بین‌الملل تعریف کرده است، بی‌آنکه لازم باشد یک مبنای صلاحیتی از قبیل سرزمین، تابعیت یا منافع واقعی وجود داشته باشد.^۴ هدف از طرح چنین صلاحیتی، مقابله با بی‌کیفری و حمایت از برخی منافع جهانی است.

^۱ این جنبه از اصل صلاحیت شخصی بر تابعیت مرتکب تأکید دارد.

^۲ این جنبه از اصل صلاحیت شخصی بر تابعیت بزه‌دیده تأکید دارد.

^۳ Restatement (third) of the Foreign Relations Law of the United States § 403.

^۴ در حوزه کیفری، رویکردهای مختلفی در خصوص تعریف و فلسفه اصل صلاحیت جهانی وجود دارد. بر اساس یک رویکرد، صلاحیت جهانی به «صلاحیت صرفاً مبتنی بر ماهیت جرم» اشاره دارد، بی‌آنکه به محل ارتکاب جرم، تابعیت مرتکب، تابعیت بزه‌دیده یا هر پیوند دیگری با دولت اعمال‌کننده این صلاحیت، توجه داشته باشد. ن.ک:

Princeton University Program in Law & Pub Affairs, 2001, 28.

بر اساس رویکرد دیگر، صلاحیت جهانی به صلاحیت اعمال‌شده بدون هرگونه رابطه بین کشور و جرم بر مبنای قلمرو، تابعیت یا حمایت از منافع آن کشور اشاره دارد. ن.ک:

International Law Commission, 2006.

«درحقیقت، اجتماع بین‌المللی توافق دارد که صلاحیت جهانی در سطح حقوق بین‌الملل به مثابه ابزاری با هدف پایان‌دادن به بی‌کیفرمانی است».^۱ (Kmak, 2011: 93) بنابراین، می‌توان گفت در اجتماع بین‌المللی کشورها، منافع و ارزش‌های مشترکی وجود دارد که هر کدام از اعضای این اجتماع، خود را در مقابله با نقض آن‌ها مستحق می‌داند.

در عمل، غالباً اصل صلاحیت جهانی در ترکیب با دیگر مبنای صلاحیتی پذیرفته‌شده (مثلاً تابعیت قربانیان، فعالیت اقتصادی در قلمرو آن کشور و حضور موقت فیزیکی متهم در قلمرو آن کشور) اعمال می‌شود.

به‌ویژه در حوزه مدنی، کشورها غالباً مدعی صلاحیت قضایی بر مبنای دلایل گسترده‌تری هستند که فراتر از محل وقوع حادثه یا عمل متخلفانه هستند. (Akehurst, 1974: 170-177) بسیاری از کشورها، قوانینی دارند که متضمن عناصر فراسرزمینی است. این امر، درست به نظر می‌رسد چرا که اصول صلاحیت به موجب حقوق بین‌الملل، مبتنی بر مبنای ترکیب تعمیم‌یافته‌ای از مقررات داخلی است. (Brownlie, 2008: 308) با وجود این، در حوزه مسئولیت مدنی، صلاحیت مدنی جهانی، بسیار اختلافی و بحث‌برانگیز است.

اصل صلاحیت جهانی به‌عنوان مبنای خاص صلاحیتی تکامل یافت تا این امکان برای کشورها فراهم شود که برای نقض قواعد مورد اهتمام و نگرانی جهانی، از قبیل ممنوعیت دزدی دریایی و تجارت برده، مجازات تعریف و پیش‌بینی کنند.^۱ این امر به‌عنوان یک اصل کلی حقوق بین‌الملل، قبل از وضع قانون ATS Lien Tort Statues (ATS) در کنگره آمریکا شکل گرفت. مجموعه اولیه جرایم مشمول قانون ATS طبق حکم دیوان عالی آمریکا در پرونده (2004) Sosa v. Alvarez-Machain et al شامل مواردی می‌شد که در آن زمان، مهم‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل از قبیل دزدی دریایی، نقض رفتار امن و جرایم علیه سفرا بود. (Sosa, at 715-720: 723-725) در مورد تکامل این اصل در حقوق بین‌الملل عرفی، می‌توان دو انگیزه را مشخص کرد که چرا اجتماع کشورها این شکل خاص از صلاحیت فراسرزمینی را اجازه می‌دهد. نخست، به‌منظور مجازات جرایمی مثل دزدی دریایی که غالباً در دریاهای آزاد ارتکاب می‌یابد و بنابراین، خارج از تیررس صلاحیت ملی است. دوم، برای اینکه تعقیب و مجازات موارد شنیع نقض حقوق بین‌الملل، از قبیل تجارت برده را اجازه دهد ولو اینکه این امر در جایگاهی فراتر از تیررس صلاحیتی کشورها انجام نشده است. (Bantekas, 2012: 23) مشخصاً ممنوعیت تجارت برده در قرن نوزدهم بود که عنصر جدیدی به قلمرو قواعدی اضافه کرد که اصل صلاحیت جهانی اجازه می‌دهد: قواعد حقوق بین‌الملل

¹ Restatement (third) of the Foreign Relations Law of the United States § 404.

که از کرامت انسانی حمایت می‌کنند.

در نتیجه، اعمال صلاحیت بر مبنای اصل صلاحیت جهانی باید از دیگر مبانی صلاحیتی پذیرفته‌شده در خصوص حادثه یا رفتاری که در قلمرو یک کشور خارجی روی می‌دهد، تفکیک شود. فلسفه آن، عبارت است از اجرایی کردن یک سری از قواعد اولیه حقوق بین‌الملل از طریق سازوکارهای داخلی. به این ترتیب، نهادهای داخلی در صدد حمایت از منافع مشترک اجتماع کشورها هستند درحالی که به موجب دیگر مبانی صلاحیتی پذیرفته‌شده، عموماً برای توجیه اعمال صلاحیت، باید به نفع ملی خاصی استناد شود. منظور این نیست که اعمال صلاحیت جهانی به وسیله یک کشور، صرفاً انگیزه نوع‌دوستانه برای اجرای منافع خارجی است، بلکه کاملاً برعکس است. به موجب صلاحیت جهانی، منافع ملی و بین‌المللی در رسیدگی به مهم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل با هم منطبق‌اند. این به نفع هر کشور است که شدیدترین موارد نقض حقوق بین‌الملل به‌طور مؤثر رسیدگی شود.

بنابراین، صلاحیت جهانی، مبنایی برای صلاحیت است که کمتر با این مسئله پیوند دارد که آیا ممکن است دیگر کشورها نفع ملی خاص یا موجه‌تری در اعمال صلاحیت داشته باشند یا خیر. هر کشور می‌تواند مسئولیت را به‌خاطر این موارد نقض مورد نگرانی جهانی در هر زمانی تحمیل کند، مگر اینکه مرتکبان قبلاً به‌طور دقیق و کافی مجازات شده باشند (منع محاکمه مجدد) یا قبلاً به‌نحو دقیق و کافی به قربانیان، غرامت پرداخت شده است. (Brownlie, 2008: 308) با وجود این، در مقابل دیگر مبانی صلاحیت، اصل صلاحیت جهانی، اگر به‌عنوان تنها مبنای صلاحیتی اعمال شود، به دادگاه‌های داخلی اجازه می‌دهد تا یک دعوا را تنها به‌خاطر شمار محدودی از موارد نقض حقوق بین‌الملل بپذیرند. بنابراین، می‌توان گفت دادگاه‌های ملی، در اعمال صلاحیت جهانی، به نیابت از اجتماع بین‌المللی کشورها عمل می‌کنند و بنابراین، نقض حقوق حاکمیتی کشورهای دیگر بعید است.

۱-۲. مجاز بودن اجرای فراسرزمینی صلاحیت قضایی در خصوص موارد نقض فاحش قواعد مسلم و پذیرفته‌شده جهانی حقوق بشر
صلاحیت جهانی در مورد همه قواعدی که جزو حقوق بین‌الملل عرفی است، اعمال نمی‌شود. علاوه بر دزدی دریایی و بردگی، صلاحیت جهانی در رویه کشورها در خصوص شکنجه،^۱

^۱ صلاحیت جهانی نسبت به شکنجه به موجب حقوق بین‌المللی عرفی مجاز است. ن.ک:

Prosecutor v. Furundzija, para 156.

صلاحیت جهانی به موجب بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده (۱۹۸۴) است.

U.N.G.A. Res. 39/46, 39 U.N. GAOR Supp. (No. 51), U.N. Doc. A/39/51 (1984).

نسل‌زدایی^۱، جنایات مرتبط با مخاصمه مسلحانه (یا جنایات جنگی)^۲ و جنایات علیه بشریت^۳ اعمال می‌شود. بنابراین، از زمان محاکمات نورنبرگ، به تدریج، نقض‌های فاحش تمامیت و کرامت افراد، به موضوعات مورد اهتمام جهانی تبدیل شده است. ماهیت این قواعد به‌وسیله رویه معاهده‌ای بین‌المللی و احکام دادگاه‌های بین‌المللی و ملی مشخص شده است. می‌توان این قواعد را قواعد خاص، جهان‌شمول و الزام‌آور حقوق بین‌الملل دانست. (In re Estate of Marcos Human Rights Litigation, 1994) این گرایش به صلاحیت جهانی با تحولات دکترینی در حوزه مسئولیت دولت نیز همخوانی دارد. همان‌گونه که در پرونده مشهور *بارسلونا تراکشن* بیان شد، شماری از قواعد بنیادین حمایت‌کننده از «حقوق بنیادین شخص انسانی»، تعهداتی را برای هر دولت در قبال تمام دولت‌های دیگر ایجاد می‌کند که تعهدات در مقابل همه (یا *ارگامنس*) نامیده می‌شود. (Barcelona Traction, 1970: 3) بر این اساس می‌توان گفت، امروزه عملاً تردیدی نیست که هر کشور، ولو اینکه متضرر از نقض چنین تعهدی نباشد، حق دارد تا به مسئولیت دولت دیگر در قبال این نقض‌ها استناد کند.^۴ در خصوص اینکه دقیقاً چه طیفی از موارد نقض حقوق بشر، مشمول اصل صلاحیت جهانی است، باید یادآور شد که فهرست مذکور در فوق، یک فهرست محدود است که می‌تواند در آینده، توسعه پیدا کند. تا کنون در رویه کشورهای، صلاحیت جهانی در مورد موارد نقض فاحش حقوق بشر اعمال شده است. «نقض در صورتی فاحش است که مشخصاً به‌خاطر اهمیت حق یا شدت نقض تکان‌دهنده است. تمام حقوق اعلام‌شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و حمایت‌شده به‌وسیله میثاق‌های بین‌المللی اصلی به‌طور بین‌المللی پذیرفته شده، اما برخی از حقوق برای کرامت انسانی، ذاتی و بنیادین است».^۵

به‌طور خلاصه، قضاتی که صلاحیت را به‌موجب یک قانون داخلی مثل ATS تنها بر مبنای

^۱ صلاحیت جهانی در مورد نسل‌زدایی و اقدامات مرتبط با آن به‌موجب حقوق بین‌المللی عرفی پذیرفته شده است. ن.ک: Prosecutor v. Ntuyahaga ICTR-90-40-T (Mar. 18, 1999); Prosecutor v. Tadic, IT-94-1-AR72, para 62 (Oct. 2, 1995). For the practice of national courts see Att'y Gen. V. Eichmann, 36 ILR 277, 303-04 (1968) (Isr.S.Ct. 1962); and Demjanjuk v. Petrovsky, 776 F.2d 571, 582-583 (6th Cir. 1985), cert. denied, 475 U.S. 1016 (1986); Prosecutor v. Jorgic, German Federal Constitutional Court, 2 BvR 1290/99, of Dec. 12, 2000, para 15-17.

^۲ صلاحیت جهانی اجباری به‌موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای نقض‌های شدید: کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹، ماده ۴۹؛ کنوانسیون دوم ژنو ۱۹۴۹، ماده ۵۰؛ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹، ماده ۱۲۹؛ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، ماده ۱۴۶.

^۳ جنایات علیه بشریت در شق (ج) بند ۲ ماده ۶ منشور نورنبرگ پذیرفته شده بود. این جنایات شامل قتل عمد، نابودی، به‌بردگی گرفتن، اخراج و دیگر اعمال غیرانسانی می‌شد. امروزه این دسته از موارد نقض، بخشی از حقوق بین‌المللی عرفی است که مشمول صلاحیت جهانی است.

^۵ ن.ک: ماده ۴۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌المللی در مورد مسئولیت دولت (۲۰۰۱).

UN International Law Commission, 2001.

^۵ Restatement (third) of the Foreign Relations Law of the United States, 702.

اصل جهان‌شمولی اعمال می‌کنند برای اینکه سازگار با حقوق بین‌الملل عمل کنند، تنها می‌توانند به نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر رسیدگی کنند. هرگاه دیگر مبنای صلاحیت در یک پرونده به موجب یک قانون داخلی مثل ATS مطرح شود، هرگونه نقض حقوق بین‌الملل که واجد معیار توسعه یافته در پرونده Sosa است، می‌تواند مورد حمایت دادگاه‌های داخلی (مثلاً در آمریکا) قرار گیرد. درنهایت، می‌توان گفت به موجب اصل صلاحیت جهانی، اجرای فراسرزمینی صلاحیت قضایی در وضعیت‌های متضمن نقض فاحش قواعد مسلم و پذیرفته‌شده جهانی حقوق بشر، مجاز است.

۱-۳. قابلیت اعمال صلاحیت جهانی منصرف از ماهیت کیفری یا مدنی آن

صلاحیت جهانی از طریق حقوق کیفری و مدنی اعمال می‌شود. شرح وزارت امور خارجه در مورد صلاحیت جهانی به «قلت اعتراض دیپلماتیک به موضوعات مدنی» اشاره دارد. اگرچه صلاحیت جهانی کیفری نسبت به صلاحیت مدنی جهانی بیشتر رایج است، صلاحیت مدنی جهانی با ایده و مفهوم صلاحیت جهانی سازگار است. بهترین دلیل در این خصوص، وجود قانون ATS است. در رسیدگی‌هایی که به موجب این قانون صورت گرفته، حتی کشورهایی که از خواندگان حمایت می‌کردند مدعی نبودند که قانون ATS لزوماً ناقض حقوق ملت‌ها (یا حقوق بین‌الملل) است. آنچه بیشتر مدنظر است یک رویکرد توأم با احتیاط در اجرای این قانون است و نه حذف این قانون از مجموعه قوانین. (Brief of the Federal Republic of Germany, 2012: 15) درحقیقت، اکثریت بالایی از کشورها حامی مجازات مرتکبین شدیدترین موارد نقض حقوق بین‌الملل از رهگذر دادگاه‌های ملی هستند.

استدلال دوم، گرایش عمومی به همگرایی بین راهکارهای جبران کیفری و مدنی در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی است. حقوق آلمان و همچنین شماری از نظام‌های حقوقی اروپایی، امکان مطالبه غرامت به خاطر شبه‌جرم را در رسیدگی‌های کیفری نیز پیش‌بینی می‌کنند.^۱ به علاوه، این «ملی کردن حقوق بین‌الملل» نیز می‌تواند بسیار مؤثر باشد چرا که حقوق بین‌الملل به طور کلی اساساً بر اجرای غیرمتمرکز (یعنی داخلی شدن)، به ویژه در رابطه با جبران‌های مدنی متکی است.^۲

در نظام حقوقی ایران، در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۹ آمده است: «ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود:

۱. برای نمونه، ن. ک: بخش‌های ۴۰۳ تا ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری آلمان.

۲ Bernstorff, Jacob and Stone, 2012, 584.

الف- دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی.
 ب- دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص».

دعوای خصوصی یا ادعای خصوصی، دعوایی است که برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از طرف مدعی خصوصی طرح می‌شود. درحقیقت، رسیدگی مرجع کیفری به چنین دعوایی، امری استثنایی است چرا که یک مرجع کیفری در اصل، صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را دارد. از این رو باید گفت تنها مطالبه خسارات ناشی از ارتکاب جرم، در مرجع کیفری قابل اقامه و طرح است. بنابراین، هر نوع حقی که در دادگاه حقوقی، قابل مطالبه، و دعوای آن قابل طرح باشد، در مرجع کیفری قابل طرح و مطالبه نیست (خالقی، ۱۳۸۹: ۲۵۲). بنابراین، در صورتی که یک قربانی سلاح‌های شیمیایی، اعم از ایرانی یا غیرایرانی بخواهد در خصوص ضرر و زیان وارده به خود در نزد مرجع کیفری در جمهوری اسلامی ایران، دعوای خصوصی طرح کند، ادعای وی باید ناشی از یک عمل مجرمانه باشد. به عبارت دقیق‌تر، ابتدا باید اثبات کند که استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه وی، جرم (جنایت جنگی) است. دوم اینکه، مرجع کیفری مورد بحث، صلاحیت رسیدگی به این جرم را دارد. ممکن است از جمله این مبانی صلاحیتی، صلاحیت جهانی باشد. طبیعی است در مواردی که دیگر مبانی صلاحیتی وجود دارد، نوبت به صلاحیت جهانی (اعم از کیفری یا مدنی) نمی‌رسد. همچنین، چنین دعوایی، لزوماً علیه مرتکب طرح نمی‌شود؛ می‌تواند علیه کسانی که به‌نحوی در ارتکاب این جرم، نقش داشتند، مثلاً کسانی که تجهیزات و مواد لازم برای درست کردن سلاح‌های شیمیایی را تأمین می‌کردند نیز طرح شود.

به موجب همین قانون در ماده ۱۰ در تعریف بزه‌دیده آمده است: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان می‌شود و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود». تعقیب متهم و اقامه دعوا در راستای حیثیت عمومی بر عهده دادستان، و اقامه دعوا و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی، با شاکی یا مدعی خصوصی است (ماده ۱۱). به موجب ماده ۱۴ شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. به موجب تبصره ۱ این ماده: «زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است». به موجب همین تبصره، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم کند. بر

اساس تبصره ۲: «منافع ممکن‌الحصول، تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف کند.»[...].

پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است (ماده ۱۵).

به موجب ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه دعوای ضرر و زیان، ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور، قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوا، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان، ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوا، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد، نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.»

دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود، رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان، مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید (ماده ۱۷). در مواردی که رأی قطعی کیفری، مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، لازم‌الاتباع است. (ماده ۱۸)

لازمه توسل به این سازوکار، جرم‌انگاری اقدامات صورت‌گرفته علیه مصدومین شیمیایی است. به عبارت دقیق‌تر، برای آنکه بتوان در مرجع کیفری دعوای خصوصی را برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم طرح کرد، ابتدا باید شکایت کیفری در نزد این مرجع طرح شود. طرح چنین شکایتی مستلزم این است که فعل یا ترک فعل موردنظر در قانون، جرم‌انگاری شده باشد. به همین دلیل، قبل از هر چیز لازم است تا در قانون داخلی کشور، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمه مسلحانه، جنایت جنگی تلقی شده باشد. پس از آن، امکان طرح شکایت کیفری در دادگاه‌های ایران وجود دارد، ولو اینکه این جرم، خارج از ایران و توسط شخص بیگانه انجام شده باشد. در این خصوص، اجرای اصل صلاحیت کیفری جهانی می‌تواند به تحقق پرداخت غرامت در قبال نقض حقوق بین‌الملل و درحقیقت، بُعد غیرکیفری این

صلاحیت کمک کند. از این منظر، مصونیت، دیگر قابل استناد نیست. درحقیقت، با پذیرش شکایت کیفری بر مبنای صلاحیت جهانی و مسئولیت کیفری فردی، امکان استناد به مصونیت، مسموع نخواهد بود. بدیهی است که شرایط مربوط به اعمال صلاحیت جهانی که در قانون مجازات پیش‌بینی شده باشد، مثلاً حضور متهم، وجود داشته باشد.^۱ بنابراین، دادگاه‌هایی که صلاحیت کیفری جهانی اعمال می‌کنند می‌توانند به دعاوی مربوط به جبران خسارت نیز رسیدگی کنند. درنهایت، از منظر حقوق بین‌الملل، نمی‌توان هیچ استثنای عامی در خصوص صلاحیت مدنی جهانی پیدا کرد.

هدف اصل صلاحیت جهانی این است تا یک راهکار جبران حقوقی مؤثر در سطح ملی برای موارد نقض شدید فراهم سازد بدون اینکه شرایط شکلی داخلی را تصریح کند. در این خصوص، مجازات و جبران خسارت را می‌توان واکنش‌های تکمیلی نسبت به یک رفتار متخلفانه دانست. درحقیقت، این دو مکمل یکدیگرند. از نظریه رسیدگی و اجرای قهری غیرمتمرکز، چنین به دست می‌آید که انتخاب روش به صلاح‌دید هر کشور بستگی دارد. همچنین در این خصوص باید به این نکته توجه داشت که غرامت در حقوق مدنی (غیرکیفری) عموماً نسبت به مجازات‌ها در حقوق کیفری کمتر تأثیرگذار است. همان گونه که صلاحیت کیفری جهانی عموماً پذیرفته شده است، صلاحیت مدنی جهانی به طریق اولی پیامد مشروع اصل کلی صلاحیت جهانی قلمداد می‌شود.

۲. صلاحیت مدنی جهانی

می‌توان صلاحیت مدنی جهانی را این گونه تعریف کرد: «توانایی دادگاه‌های داخلی هر کشور برای رسیدگی به دعاوی مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل ارتكابی خارج از قلمرو دولت مقر دادگاه رسیدگی کننده که از طریق تابعیت خواننده یا خواهان یا از طریق صدمه به منافع ملی آن کشور با کشور مورد بحث پیوند ندارد». باید صلاحیت مدنی جهانی را یک استثنا دانست. از نظر کمیسیون اروپایی، «صلاحیت جهانی مدنی می‌تواند برای همان نقض‌هایی که مشمول صلاحیت جهانی کیفری قرار می‌گیرند، وجود داشته باشد و به همین ترتیب، همان محدودیت‌های صلاحیت جهانی کیفری نظیر حضور متهم در قلمرو دولت مقر دادگاه در این مورد هم وجود دارد» (وکیل، ۱۳۹۱: ۲۵۵). درحقیقت، این نوع صلاحیت در صدد مبارزه با

۱. به موجب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): مرتکب جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه‌ها و مقررات بین‌المللی در هر کشوری یافت شود در همان کشور محاکمه می‌شود. اگر در ایران یافت شود طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد.

بی‌جبران مانی ضرر و زیان وارده به قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل است. همچنین می‌توان آن را ابزاری برای تحقق این اصل کلی دانست که باید هرگونه ضرر و زیان ناشی از عمل متخلفانه جبران شود.

رویه اصلی دولتی در حمایت از صلاحیت مدنی جهانی به ایالات متحده آمریکا مربوط می‌شود. در آمریکا دو قانون فدرال به دادگاه‌های آمریکا اجازه می‌دهند تا نسبت به برخی از موارد نقض حقوق بین‌الملل، صلاحیت فراسرزمینی اعمال کنند. افزون بر آن، برخی از کشورهای دارای نظام حقوقی رومی‌ژرمنی به اشخاص مدعی اجازه می‌دهند تا برای اعمال متخلفانه غیرکیفری در چارچوب رسیدگی‌های کیفری مرتبط، مطالبه غرامت کنند. بنابراین، در این رویکرد که نسبت به جرم، صلاحیت کیفری جهانی را می‌پذیرد، در چارچوب رسیدگی به همین جرم، امکان اجرای بُعد غیرکیفری صلاحیت جهانی نیز وجود دارد که می‌توان از آن به صلاحیت مدنی جهانی نام برد. باز بر این نکته تأکید می‌شود که صلاحیت جهانی، اعم از مدنی یا کیفری، در جایی قابل استناد است که میان جرم و کشور متبوع دادگاه رسیدگی‌کننده، هیچ‌یک از مبانی پذیرفته‌شده صلاحیتی (یعنی اصل صلاحیت سرزمینی، اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت حمایتی) وجود نداشته باشد.

از این رو، از نظر حقوقی این امکان وجود دارد که در هر کشوری که امکان رسیدگی به جنایت استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران وجود دارد، اجرای صلاحیت مدنی جهانی نیز امکان‌پذیر باشد. چنین رویکردی، همان‌گونه که در بند پیشین نیز اشاره شد، بخش لاینفک اجرای عدالت و سازوکار جبران هرگونه خسارت نارواست که خود یک اصل کلی حقوقی است. افزون بر آن، در چارچوب صلاحیت مدنی جهانی، با رعایت شرایط مربوط به مصونیت، می‌توان از دولت نیز مطالبه خسارت کرد.

۳- معیارهای بین‌المللی مربوط به غرامات ناشی از جرایم تعریف‌شده در حقوق

بین‌الملل

حقوق بین‌الملل و معیارهای بین‌المللی به کشورها اجازه می‌دهند و در برخی موارد، آن‌ها را ملزم می‌کنند تا خسارات ناشی از جنایات تعریف‌شده به وسیله حقوق بین‌الملل را که بیگانگان علیه بیگانگان دیگر در خارج مرتکب شدند از طریق راهکارهای جبران مدنی، جبران خسارت کنند. به‌ویژه در این خصوص می‌توان به ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه اشاره کرد که مقرر می‌دارد باید تدابیری پیش‌بینی شود که به قربانیان اجازه دهد تا غراماتی را برای شکنجه ارتكابی در خارج به دست آورند، حتی وقتی که قربانیان و شکنجه‌گران، تابعیت آن کشور طرف

کنوانسیون را نداشته نباشند.

در این خصوص، بررسی موارد زیر، قابل توجه است.

۱-۳. اعمال صلاحیت مدنی جهانی توسط دادگاه‌ها در قوانین داخلی

تقریباً بیش از ۱۲۵ کشور، صلاحیت جهانی کیفری را در قوانین داخلی خود پذیرفته‌اند. تقریباً هیچ کدام از این کشورها «پیوند مؤثر و سازنده» یا هرگونه پیوندی را بین جرم و کشور مقرر دادگاه، لازم ندانسته‌اند، اگرچه از منظر دادرسی منصفانه، محاکمه غیابی را نپذیرفته‌اند.^۱ بسیاری از این کشورها اجازه می‌دهند تا دعوای مدنی مبتنی بر شبه‌جرم‌های ارتكابی در خارج یا در دادگاه‌های غیرکیفری‌شان یا در رسیدگی‌های کیفری برای شبه‌جرم، مبتنی بر یک جرم اصلی طرح شود.

نخست: دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا بارها صلاحیت مدنی جهانی را به موجب قانون ادعاهای شبه‌جرم بیگانگان، نسبت به شبه‌جرم‌های ارتكابی در خارج اعمال کرده‌اند و تقریباً اعتراضی از سوی کشورهای دیگر وارد نشده است. همچنین زمانی که کنگره، قانون حمایت از قربانیان شکنجه را تصویب می‌کرد، بر اجرای صلاحیت مدنی جهانی شدیداً تأکید می‌کرد.

دوم: کشورهای دیگری مثل اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا و سوئد نیز به دادگاه‌های خود اجازه می‌دهند تا مطالبات مدنی در قالب یک دعوای حقوقی در پرونده‌های کیفری که مبتنی بر صلاحیت کیفری جهانی هستند، پذیرفته شوند.

شورای اروپایی، مقرره‌ای را صادر کرده است که اعضای خود را ملزم می‌کند تا احکام صادره توسط دیگر کشورهای عضو را شناسایی کنند. اکثر این کشورها صلاحیت جهانی کیفری را پذیرفته‌اند که طرح مطالبات مدنی در خلال رسیدگی کیفری را اجازه می‌دهند. در این مقرره، هیچ شرطی در خصوص پیوند میان کشور مقرر دادگاه و شبه‌جرم یا جرم اصلی وجود ندارد. کشورهای غیرکامن‌لا نیز صلاحیت مدنی جهانی را پذیرفته‌اند: آرژانتین، چین، بولیوی، کلمبیا، پاناما، رومانی، سنگال... برای نمونه، در آرژانتین، دعوای مدنی در چارچوب رسیدگی کیفری قابل طرح است. دادگاه‌های این کشور می‌توانند صلاحیت جهانی را نسبت به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌زدایی اعمال کنند. در بولیوی نیز دادگاه‌های این کشور می‌توانند صلاحیت جهانی نسبت به نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول،

۱. به‌طور کلی، ن.ک: گزارش ۷۲۲ صفحه‌ای درمورد رویه تقریباً ۱۲۵ کشور که به‌وسیله سازمان عفو بین‌المللی با عنوان «صلاحیت جهانی: تکلیف کشورها به وضع و اجرای صلاحیت جهانی» در سال ۲۰۰۱ تهیه شده است.

جنایات علیه بشریت (شکنجه و آپارتاید) اعمال کنند. چین نیز در قانون کیفری خود، چنین صلاحیتی را برای دادگاه‌های خود، به‌ویژه در مورد نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو پذیرفته است. در قانون جدید کیفری پاناما، در راستای اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جنایات نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و ناپدیدشدگی اجباری، حضور فیزیکی متهم در قلمرو این کشور لازم نیست. (AI Index: IOR 53/002-018/2001, 2001)

۲-۳. تضمین حق بر غرامت یا جبران خسارت، بدون هرگونه محدودیت جغرافیایی به موجب حقوق بین‌الملل

برخی از اسناد بین‌المللی، حق بر غرامت را از نظر جغرافیایی محدود نمی‌کنند، پیوند کشور مقر دادگاه را با قربانی یا محل وقوع جرم، لازم نمی‌دانند و در نهایت، مصونیت دولت یا مقامات را نادیده می‌گیرند. برای نمونه می‌توان به این اسناد اشاره کرد: اعلامیه ملل متحد در مورد اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جنایت و سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)؛ اساسنامه رم ۱۹۹۸؛ اصول و رهنمودهای بنیادین ملل متحد در مورد حق بر جبران و غرامت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه (۲۰۰۵) و اصول حمایت و ارتقای حقوق بشر از طریق مبارزه با بی‌کیفرمانی (۲۰۰۵). این دو سند اخیر توسط شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری مورد استناد قرار گرفت و دیوان اعلام کرد که صدمه‌ای که قربانیان جنایات بین‌المللی متحمل می‌شوند شامل رنج عاطفی و زیان اقتصادی می‌شود. همچنین می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۲) و کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ در مورد قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (ماده ۳) اشاره کرد.

۴- صلاحیت مدنی جهانی و مانعی به نام مصونیت

در این قسمت به بررسی رابطه بین صلاحیت مدنی جهانی و مصونیت دولت پرداخته می‌شود؛ به‌ویژه اینکه آیا مصونیت دولت باید برتری داده شود چرا که برای ثبات بین‌المللی ضروری است، یا آیا باید استثنایی برای موارد نقض شدید که مشمول صلاحیت جهانی (کیفری یا غیر کیفری) است، وارد دانست؟

بخش انگلیسی انجمن حقوق بین‌الملل در خصوص طرح دعوا در دادگاه‌های انگلستان برای غرامت به خاطر نقض حقوق بشر که خارج از انگلستان ارتکاب یافته، تحقیقی انجام داده است. (Human Rights Committee, 2001: 131) در این گزارش یادآور شده، درحالی که کشور مسئول، مسئولیت اولیه تأمین راهکار جبران را بر عهده دارد، و سازوکارهای بین‌المللی، گزینه

ثانویه جبران است، منافع عدالت، مستلزم این است که نظام‌های حقوقی ملی دیگر، به این ادعاها رسیدگی کنند. (34-32: Human Rights Committee, 2001) باین حال، در پایان این گزارش آمده است که به موجب حقوق جاری انگلستان، موانعی فراروی طرح این دعاوی وجود دارد. از جمله این موانع می‌توان به مصونیت‌های ناشی از حقوق بین‌الملل عمومی و موانع صلاحیتی به موجب حقوق بین‌الملل خصوصی اشاره کرد. (165: Human Rights Committee, 2001)

تفاوت اصلی بین صلاحیت کیفری جهانی و صلاحیت مدنی جهانی این است که صلاحیت کیفری جهانی تنها به مسئولیت فردی مربوط می‌شود، در حالی که صلاحیت مدنی جهانی، هم فرد و هم دولت را شامل می‌شود. دعاوی مدنی که در یک دولت علیه دولت دیگر طرح می‌شود، بیشتر آن دولت خارجی را به‌طور مستقیم در تبعیت از صلاحیت دولت رسیدگی کننده نسبت به رسیدگی کیفری علیه تبعه یا مقام خارجی قرار می‌دهد. در نتیجه، دادگاه‌ها در خصوص اینکه آیا محدودیت‌های مربوط به مصونیت در حوزه کیفری در گستره مدنی نیز باید اعمال شود، نظرات متفاوتی اعمال کرده‌اند.^۱ در قضیه *الادسانی* این گونه بیان شد که مصونیت دولت در مورد دعاوی مدنی مربوط به شکنجه ارتكابی در خارج نیز اعمال می‌شود. (1996: AI-Adsani v. Kuwait) همین رویکرد در قضایای *بوزری* علیه جمهوری اسلامی ایران (1996, 81, 95: Bouzari v. Iran) و *جونز علیه عربستان سعودی* (1: Jones v. Saudi Arabia, 2004) نیز پذیرفته شد.

نظر به وجود مانعی به نام مصونیت در سر راه اجرای بُعد غیر کیفری صلاحیت جهانی، توصیه می‌شود که روند احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی عراق با اعمال بُعد کیفری صلاحیت جهانی شروع شود و سپس بُعد مدنی این صلاحیت نیز فعال شود. اصولاً اگر استفاده از سلاح‌های شیمیایی و همچنین انجام حملات کور به موجب حقوق بین‌الملل معاهده‌ای (مثلاً پروتکل ۱۹۲۵ ژنو) یا حقوق بین‌الملل عرفی، جنایت جنگی محسوب شود و تابع صلاحیت جهانی باشد، قربانیان سلاح‌های شیمیایی می‌توانند بر اساس شرایط مربوط به اعمال صلاحیت

^۲ برای نمونه، ن.ک:

Regina v. Bow St. Metro. Stipendiary Magistrate, Ex parte Pinochet (No. 3), [2001] 1 A.C. 147, 264 (Lord Hutton), 278 (Lord Millett), 287.

در این پرونده، لرد فیلپس از مصونیت دولت در رسیدگی‌های مدنی حمایت می‌کند.

AI-Adsani v. Kuwait, 107 ILR 536 (C.A. 1996) 66.

مصونیت دولت در مورد دعاوی مدنی به‌خاطر شکنجه ارتكابی در خارج اعمال می‌شود.

Bouzari v. Islamic Republic of Iran, C38295, [2004] O.J. 2800, Paras. 81, 95 (Ont. Ct. App. June 30, 2004); *Jones v. Saudi Arabia*, [2004] EWCA (Civ) 1394, [1], 82-92.

مصونیت دولت در مورد دعاوی مدنی علیه دولت‌ها اعمال می‌شود اما لزوماً در مورد مقامات دولتی پذیرفته نمی‌شود.

Prefecture of Voiotiav. Federal Republic of Germany, Areios Pagos [AP] [Supreme Court] 11/2000 (Greece)

مصونیت دولت در مورد نقض قواعد آمره اعمال نمی‌شود.

Ferrini v. Germany, 2004, para. 12.

مصونیت دولت در مورد قواعد مشمول صلاحیت کیفری یا مدنی جهانی اعمال نمی‌شود.

کیفری جهانی، ضمن طرح شکایت کیفری، دعوای خصوصی خود را برای مطالبه خسارت‌های وارده مطرح کنند. ذکر این نکته ضروری است که در برخی از نظام‌های حقوقی، مدعی‌العموم باید شکایت کیفری را شروع کند. ممکن است در این نظام‌ها مدعی خصوصی نتواند به نتیجه‌ای برسد. اما در برخی از نظام‌های حقوقی که شخص می‌تواند دعوای کیفری را شروع کند، به کارگیری صلاحیت کیفری و مدنی جهانی به صورت هم‌زمان می‌تواند مثمرتر باشد، البته در صورتی که دیگر شرایط شکلی و ماهوی لازم وجود داشته باشد.

نتیجه

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سبب شد تا بیش از یک صد هزار نفر از ایرانیان، قربانی جنایت جنگی به کارگیری سلاح‌های شیمیایی شوند. این قربانیان به عنوان افراد انسانی، هم بر اساس اسناد بین‌المللی و هم بر اساس اصول کلی حقوقی، از حق دریافت غرامت بابت ضرر و زیان وارده به خود برخوردارند. این اصل کلی حقوق طبیعی و اصل اخلاقی است که هرگونه خسارت و زیان ناشی از عمل متخلفانه باید جبران شود. با این حال، با گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ تحمیلی، قربانیان ایرانی سلاح‌های شیمیایی عراق، همچنان به دنبال راهی برای احقاق حقوق خود هستند. این تلاش‌ها، جز در یک مورد- پرونده فن آرت‌ات- همچنان با بن‌بست مواجه شده است.

در این راستا، از نظر حقوقی، اعمال صلاحیت مدنی جهانی به عنوان یک استثنا می‌تواند گزینه مطلوبی باشد. این صلاحیت، هرچند هنوز به درستی جای خود را در حقوق بین‌الملل باز نکرده است، می‌تواند جرقه‌های امیدبخشی را ایجاد کند. بدون تردید، هر عمل متخلفانه، یا جنبه کیفری دارد یا مدنی یا هر دو. اعمال صلاحیت جهانی در هر مورد امکان‌پذیر است. صلاحیت جهانی کیفری به دنبال پایان دادن به بی‌کیفرمانی است. درحقیقت، صلاحیت جهانی به دنبال این است تا مجرم بی‌کیفر نماند. صلاحیت مدنی جهانی به دنبال این است تا هیچ خسارتی بدون جبران نماند؛ به این معنا که این نوع صلاحیت باید به عنوان ابزاری برای تحقق غرامت در قبال خسارات وارده به اشخاص و نقض مقررات باشد. برای اجرایی کردن احکام دادگاه‌های بین‌المللی (اعم از خارجی و بین‌المللی در معنای خاص) لازم است که در چارچوب حق بر غرامت، قانون ذی‌ربط مناسب وضع شود. بنابراین، می‌توان از وضع قوانین مربوط به اجرای تصمیمات بین‌المللی در رابطه با حقوق بین‌الملل بشر سخن گفت. در این خصوص می‌توان به قطعنامه اداری شماره ۱۹۳۳ دولت پرو در سال ۲۰۱۰ در مورد مقررات مربوط به اجرای قهری تصمیمات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر که دادگاه‌های بین‌المللی صادر

می‌کنند، اشاره کرد.^۱ این قطعنامه اداری، در واکنش به یک سازمان غیردولتی حقوق بشری بود که مدعی بود که دیوان عالی، تصمیمات دیوان آمریکایی حقوق بشر را در رابطه با پرو به «شعبه ویژه اجرای احکام فراملی»^۲ گزارش نکرد. در ۱۱ مارس ۲۰۱۰، دولت پرو شعبه ویژه اجرای احکام فراملی را با اختیار اجرای تصمیمات بین‌المللی راجع به حقوق بشر تأسیس کرد. (Administrative Resolution No. 089-2010-CE-PJ.) با این حال، از نظر خواهان، این شعبه (تا سال ۲۰۱۱) اجرایی نشد.

بنابراین، این قطعنامه تأکید می‌کرد که بهتر است رئیس دیوان عالی، اقدامات لازم را برای ارجاع تصمیمات بین‌المللی راجع به حقوق بشر به این شعبه ویژه اتخاذ کند. (Administrative Resolution No. 089-2010-CE-PJ, Art. 1) ممکن است کشورهای دیگر نیز از چنین تجربه‌ای استفاده کنند. به علاوه، این مدل نباید به تصمیمات بین‌المللی راجع به حقوق بشر محدود شود، بلکه به حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز تسری یابد.

در عین حال، اعمال صلاحیت مدنی جهانی، همچنان با مانعی به نام مصونیت مواجه است. اگرچه احترام به فرد انسانی و حقوق انسانی او مسئله مهمی در حقوق بین‌الملل معاصر شده است، ثبات در روابط بین‌المللی، همچنان یک هدف مهم است. مصونیت به دنبال ثبات در روابط بین‌المللی است. در واقع، در عرصه صلاحیت مدنی جهانی، به درستی می‌توان رویارویی حقوق انسانی و مصونیت دولت را مشاهده کرد. در نتیجه، یکی از چالش‌های مهم حقوق بین‌الملل معاصر، سازش این دو است. اجرای نظام‌مند صلاحیت مدنی جهانی می‌تواند ابزاری برای تحقق این مهم باشد. در این خصوص، لازم است نکات زیر ذکر شود:

۱- فلسفه صلاحیت جهانی، راهکارهای جبران مدنی را نیز دربرمی‌گیرد. در واکنش به موارد شدید نقض حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اجتماع بین‌المللی باید حق بر غرامت برای قربانیان را همان قدر مهم بداند که مجازات مرتکبین را دنبال می‌کند. در این شرایط، باید بُعد مدنی صلاحیت جهانی توسعه یابد. درحقیقت، همان قدر که تحقق بی‌کیفرمانی مهم است، باید تحقق جبران خسارات‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل، به ویژه در حوزه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز به همان اندازه مهم باشد.

۲- صلاحیت، حتی جهانی، باید تابع قواعد ذی‌ربط خود باشد. مثلاً در صورتی که کشور محل وقوع عمل متخلفانه، اراده کافی برای جبران خسارت وارده را دارد، کشورهای دیگر، اعمال صلاحیت نکنند. در صورتی که اعمال صلاحیت مدنی جهانی نظام‌مند شود، شائبه امپریالیسم قضایی مطرح نخواهد شد. به عبارت دیگر، در صورتی که کشور مسئول، نخواهد یا نتواند به

^۱ <www.asesorempresarial.com/web/adjuntos-sumilla/2010-07-23_JCLYRRO.pdf>

^۲ the Special Chamber for the Execution of Supranational Sentences.

ادعاهای مربوط به ضرر و زیان ناشی از نقض حقوق بین‌الملل رسیدگی کند، دیگر کشورها اعمال صلاحیت مدنی کنند.

۳- اگر اعمال صلاحیت با احترام به منافع مشروع کشورها اجرا شود، صلاحیت مدنی جهانی به احتمال زیاد، نتایجی خواهد داشت که دیگر کشورها نیز آن را می‌پذیرند. پذیرش، نه تنها برای مشروعیت تصمیم، حایز اهمیت است، بلکه برای کارآمدشدن حکم صادره به‌عنوان ابزاری برای جبران خسارت نیز ضروری و حایز اهمیت است، چرا که در بسیاری از موارد، حکم صادره باید خارج از کشور صادرکننده، شناسایی و اجرا شود.

۴- اگر اعمال صلاحیت مدنی جهانی علیه دولت خارجی باشد، ممکن است با مانع مصونیت روبه‌رو شود اما اگر علیه مقامات و اشخاص باشد، از دو جهت، ممکن است این مانع نادیده گرفته شود. نخست، همان‌طور که در بحث مصونیت گفته شد، مصونیت در مورد دولت‌ها اعمال می‌شود و نه لزوماً مقامات دولتی. دوم اینکه امروزه در حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فرد، دو مقوله جدا هستند. در ضمن احراز مسئولیت کیفری فرد، می‌توان علیه متهم، دعوای خصوصی طرح کرد و ضرر و زیان ناشی از همان جرم را مطالبه کرد.

صلاحیت مدنی جهانی، اگر با احترام به فلسفه و غایت خود اعمال شود، می‌تواند به‌عنوان ابزار قابل قبولی برای پیشبرد مبارزه اجتماع بین‌المللی علیه مصونیت به کار گرفته شود که هم سبب می‌شود تا هیچ جنایتی بدون مجازات نماند و هم اینکه هر زیان و ضرر ناشی از جرم، جبران شود.

بنابر آنچه بیان شد ملاحظه می‌شود که رویه کشورها در این قالب است: «الف: قوانین داخلی که به دادگاه‌های غیرکیفری اجازه می‌دهند تا صلاحیت مدنی جهانی را نسبت به شبه‌جرم‌های ارتكابی به‌وسیله بیگانگان در خارج علیه بیگانگان دیگر اعمال کنند بدون اینکه پیوندی با مقر دادگاه لازم باشد و ب: قوانین داخلی در کشورهایی که صلاحیت کیفری جهانی را پذیرفته‌اند، بدون اینکه پیوند با کشور مقر دادگاه لازم باشد، اجازه می‌دهند تا در رسیدگی‌های کیفری، مطالبات مدنی نیز طرح شود». بنابراین، برای اعمال صلاحیت مدنی جهانی، بر اساس حقوق بین‌الملل، هیچ‌گونه پیوند سازنده و مؤثری با کشور مقر دادگاه لازم نیست.

اگرچه می‌توان صلاحیت مدنی جهانی را یک راه‌حل احقاق حقوق دانست، بهترین راه‌حل نیست. برای نمونه، قربانیان سلاح‌های شیمیایی به‌صورت انبوه و توده‌ای هستند. اگر قرار باشد چنین دعوای طرح شود، ممکن است دادگاه‌های داخلی با حجم انبوهی از دعوای روبه‌رو شوند

که در عمل، قادر به رسیدگی به آن‌ها نباشند. افزون بر آن، هزینه رسیدگی به چنین دعاوی نیز بالاست و دسترسی به ادله و مدارک لازم نیز دشوار است. بنابراین، تأسیس یک کمیته گرامات جنگی یا تشکیل یک هیئت داوری می‌تواند راه‌حل مؤثری برای احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی باشد. درحقیقت، قضایی کردن سیاست و روابط میان کشورها بحثی است که تنها حاکمیت‌ها می‌توانند درمورد آن تصمیم بگیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

کتاب

- اسماعیل زاده، محمد و پورا بر ابراهیم، احمد، (۱۳۹۳)، *اصل صلاحیت جهانی با رویکردی به حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق داخلی ایران*، تهران: خرسندی.
- خالقی، علی، (۱۳۸۹)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ نهم، تهران: شهر دانش.

مقاله

- وکیل، امیر ساعد، (۱۳۹۱)، «صلاحیت جهانی مدنی ناشی از نقض قواعد آمره بین‌المللی از رؤیا تا واقعیت»، چاپ شده در، مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل، به اهتمام محسن عبدالهی، ۲۹ و ۳۰ آذر ۱۳۹۱، تهران: گنج دانش و انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

ب) انگلیسی

Books

- Bottiglieri, I. (2004), *Redress for Victims of Crimes under International Law*, Leiden, Martinus Nijhoff.
- Brownlie, I. (2008) *Principles of Public International Law*, (7th ed.), UK, Oxford University Press.
- Cassese, A. (2005), *International Law* (2nd ed.), Oxford University Press, UK.
- Kmak, M. (2011), *The Scope and Application of the Principle of Universal Jurisdiction*, Erik Castrén Research Reports 28/2011.
- Shaw, M. (2008), *International Law* (6th ed.), UK, Cambridge University Press.
- Werle, G. (2005), *Principles of International Criminal Law*, The Hague, T.M.C. Asser Press.
- Zappalà, S. (2003), *Human Rights in International Criminal Proceeding*, Oxford, Oxford University Press.

Articles:

- Akehurst, M. (1974), "Jurisdiction in International Law", *British Year Book*

of International Law, 46, 145.

- Bantekas, I. (2012) "Criminal Jurisdiction of States under International Law", in: R. Wolfrum (ed.), MPEPIL.

- Bernstorff, Jochen von, Marc Jacob and John Dingfelder Stone (2012), "The Alien Tort Statute before the US Supreme Court in the Kiobel Case: Does International Law Prohibit US Courts to Exercise Extraterritorial Civil Jurisdiction over Human Rights Abuses Committed Outside of the US?", available at:

< http://www.zaoerv.de/72_2012/72_2012_3_a_579_602.pdf>

- Hall, C. K. (1998), "The First Proposal for a Permanent International Criminal Court", In: International Review of the Red Cross 322.

- Tomuschat, C. (2002), "Reparation for Victims of Grave Human Rights Violations", In: Tulane Journal of International and Comparative Law 10.

- Wilt, H. van der (2006), "Genocide, Complicity in Genocide and International v. Domestic Jurisdiction, Reflections on the van Anraat Case", Journal of International Criminal Justice 4.

Cases

- Regina v. Bow St. Metro. Stipendiary Magistrate, Exparte Pinochet (No. 3), [2001] 1 A.C. 147, 264 (Lord Hutton), 278 (Lord Millett).

- Al-Adsani v. Kuwait, 107 ILR 536 (C.A. 1996).

- Bouzari v. Islamic Republic of Iran, C38295, [2004] O.J. 2800, Paras. 81, 95 (Ont. Ct. App. June 30, 2004).

- Jones v. Saudi Arabia, [2004] EWCA (Civ) 1394, [1], 82-92.

- Prefecture of Voiotiav. Federal Republic of Germany, Areios Pagos [AP] [Supreme Court] 11/2000 (Greece).

- The Case of the S.S. "Lotus" (France v. Turkey), Judgment, PCIJ Rep., 1927, Series A, No. 10. 19.

- Sosa v. Alvarez-Machain et al., 542 U.S. 692 (2004).

- *In re Estate of Marcos Human Rights Litigation*, 25 F. 3d 1467, 1475 (C.A.9 1994).

- Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, Judgment, ICJ Rep. 1970.

- Prosecutor versus Furundzija, IT-95-17/1-T.

- Prosecutor v. Ntuyahaga ICTR-90-40-T (Mar. 18, 1999).

- Prosecutor v. Tadic, IT-94-1-AR72, (Oct. 2, 1995).
- Att’y Gen. v. Eichmann, 36 ILR 277, 303-04 (1968) (Isr.S.Ct. 1962).
- Demjanjuk v. Petrovsky, 776 F.2d 571, 582-583 (6th Cir. 1985), cert. denied, 475 U.S. 1016 (1986).
- Prosecutor v. Jorgic, German Federal Constitutional Court, 2 BvR 1290/99, of Dec. 12, 2000.

Documents

- Administrative Resolution No. 089-2010-CE-PJ.
- Geneva Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare (The Hague Convention of 17 June 1925).
- US Foreign Corrupt Practices Act.
- Report of the Bribery and Corruption Committee, under ‘Transnational anti-bribery legislation: the FCPA.
- Restatement (third) of the Foreign Relations Law of the United States § 403.
- Princeton University Program in Law & Pub Affairs (2001) ‘The Princeton Principles on Universal Jurisdiction’ 28.
- International Law Commission, Preliminary Report on the Obligation to Extradite or Prosecute (‘Aut Dedere Aut Judicare’), 19 UN Doc A/CN.4/571 (7 June 2006) (prepared by Zdzislaw Galicki), available at:
<http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/N06/379/01/PDF/N0637901.pdf?OpenElement>
- UN International Law Commission (Fifty-third Session), Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001), annexed to GA Res. 56/83, December 12, 2001, corrected by document A/56/49 (Vol. I)/Corr.4, Art. 48.